

غلام محمد زارع

گل های که ناشکفته بر سر میوه

روز پنجشنبه ۱۱ اکتوبر ۲۰۱۲ مصادف بود با روز بین المللی دختران که جامعه جهانی این روز را بخاطر حمایت از حقوق و آزادی های آنها در جهان و جلوگیری از خشونت و زور گویی، سوءاستفاده و تجاوز جنسی، خشونت های جنسی ازدواج های اجباری و قبل از وقت دختران، تجلیل نمود. این روز به انهای تخصیص داده شده که تولد شان با « اوه دختر شد »، « باز دختر شد » و کلمات و جملاتی که هیچگاه علاقمندی، خوشی و مسرت خانواده ها را تدعی نمیکند، همراه است. متأسفانه او موجودیست نا خوانده و ورودش نامبارک. نا مبارک بخاطر اینکه تولدش موجب سر بلندی مادر و خانواده نمیشود. نه تنها موجب سر بلندی مادر نمیشود بلکه مادر بیچاره که در تولد دختر هیچ گونه تقصیر ندارد، مورد توهین، تحقیر و حتی لت و کوب قرار میگیرد. این است بدبختی جامعه عقب مانده ما. جامعه که همه ای کوتاهی ها و کمبود ها را به زن رجعت میدهد. به دختر از همان روز تولد به چشم دیگر دیده میشود. برایش در صورت داشتن امکانات هم، نه تنها شب شش ویا محفل خوشی نمیگیرند بلکه مردان از گفتن اینکه کودک تازه وارد خانواده دختر است، عار دارند. دختر که با تولدش شادی برای خانواده نیاورده است، با بی توجهی کلان شده، دنباله رو فرزندان پسر میگردد. به مکتب و مدرسه اش نمیفرستند و از نعمت خواندن و نوشتن و آشنایی با جهان ماحول بی بهره می ماند. با بی رحمی مورد تبعیض جامعه مرد سالار قرار میگیرد. در نوجوانی که هنوز خوب و بد زنده گی را نمی داند، جبراً به خانه شوهر میفرستندش. با حفظ داشتن نام، بی نام و نشان دنیا می آید، زنده گی میکند و با همین بی نام و نشانی از دنیا می رود. این است سرنوشت اکثریت دختران در جوامع عقب مانده، مانند افغانستان. تجلیل و بزرگداشت یازدهم اکتوبر بنام روز بین المللی دختران، بخاطر آنست که جامعه و مردم به دختران که مانند پسران آینده سازان جامعه اند، ارزش و اهمیت قایل شود، زمینه های رشد و اعتماد به نفس برای شان مساعد گردیده، به مکتب و مدرسه رفته، تحصیلات عالی نموده و جای پای مناسب خود را در جامعه یافته و در اعمار جامعه دوشادوش پسر ها سهم گرفته نقش خود را ایفا نماید.

دختران در کشور ما که سالهای متمادی است مردم با جنگ و خشونت، ویرانی و بربادی، کشتن و بستن دست بگریبان اند و از رسم و رواج ها و سنت های مبتذل رنج میبرند، سرنوشت بدتر و زشت تر نسبت بدیگر نقاط دنیا دارند. بررسی ها نشان میدهد که دختران در سنین طفولیت، نوجوانی و جوانی با سوء استفاده های جنسی، تجاوز، خشونت های جنسی، ازدواج های اجباری و قبل از وقت و اعمال زشت و خلاف قوانین بشری مواجه اند. اگر رقم بد رفتار با دختران در کشور های متمدن در سایه قوانین بشری، سطح بلند فرهنگی، آگاهی دختران از حقوق و آزادی های شان، محدود است برعکس در کشور های عقب مانده، جنگ زده و دارای سطح فرهنگی پایین این ارقام خیلی بلند و چشم گیر است. جنگ، بی سوادی، رسم و رواج ها و سنت های کهنه و پوسیده، بی قانونی، بی بند وباری بی خبری از حقوق و آزادی های بشری، کهنه پرستی، سطح پایین اقتصادی، نبود مراجع موثر دفاع و حمایت از قانون، ضعف و ناتوانی مراجع تطبیق قانون و عدم امنیت، . . . دشمنان حقوق و آزادی های دختران در جامعه ما میباشند. برای قانونمند ساختن حقوق، آزادی ها و احترام به کرامت انسانی دختران ما نیازمند ترویج فرهنگ و اخلاق انسانی و احترام به انسان و انسانیت بوده و به محور خشونت و زورگویی در جامعه، تسوید قوانین که از تساوی حقوق شهروندان حمایت کند، ضرورت داریم. ارگان های دولتی قوی و دلسوز حراست از قانون، ترویج روحیه برابری زنان و دختران با مردان، همکاری بی شایبه و صادقانه علما و روحانیون و همگانی ساختن سواد در جامعه از نیازمندی های عمده و اساسی جامعه افغانی بشمار میرود.

دختران این گل های باغستان جامعه انسانی به برخورد سالم و دور از تنگ نظری ، تعصب و تبعیض احتیاج دارند . اگر جامعه و مردم از آنها مانند فرزندان پسر حمایت ننموده و زمینه های پیشرفت و انکشاف فکری شانرا میاثر ن سازند و جلو خشونت و تجاوز و سوء استفاده های جنسی علیه آنها را سد نشوند این گل ها ناشگفته ، پر ، پر شده و تداوم جامعه بشری به خطر مواجه میشود .

2012 . 10 . 12